

مسجد امام حسین^(ع)، از ۶۰ سال پیش تکیه‌گاه معنوی اهالی خدرییک است

صفای شبستان کوچک



سید محمد عطائی در دل کوچه پس‌کوچه‌های قدیمی محدوده خدرییک در محله مهرآباد، مسجد امام حسین^(ع) یادیارهای قدیمی و در فلزی کوچک، همچنان مثل چراغی سبزی می‌درخشد. محراب جمع و جور، فرش‌هایی با نقش و نگار متفاوت و سادگی دل‌نشین فضا، یاد مساجد دهه‌های پیش رانده می‌کند. بیش از شصت سال پیش، اهالی خدرییک ابتدا حسینیه‌ای برپا کردند و پس از آن مسجدی ساختند که نام مبارک امام حسین^(ع) بر پیشانی‌اش نشسته است.

بناشده به دست اهالی

تاریخ اینجاریانمازگران سن و سال دارد خوب می‌دانند. رضاعلی یوسفی محمدآباد، متولد ۱۳۲۸، خود را بچه میدان باررضوی و روستای خدرییک قدیم، معرفی می‌کند؛ خانه پدری او هم همین جابوده است و چند نسل در همین روستا زندگی کرده‌اند. او تعریف می‌کند: این مکان در زمان اربابی، انبار گندم بود و بعد از اینکه بند و بساط اربابی جمع شد، حدود سال ۱۳۴۰ اینجاریان تبدیل به حسینیه و مسجد کردند. سال‌ها بعد، یعنی سال ۱۳۵۷، با کمک مرحوم محمد محدث، پیش نماز و اهالی محله، بنای فعلی مسجد را ساختیم. غلامحسن فیض‌زاده، متولد ۱۳۲۸ و از ساکنان قدیمی این محدوده، از انس گرفتنش با این مسجد می‌گوید: «من از زمانی که اینجا انبار گندم و جو بود تا زمانی که دیوارهای کاهگلی‌اش را ساختیم و بعدها مسجد شد، در این مکان رفت و آمد داشتم و با آن خو گرفتم. زمانی که نوجوان بودم، بالای دیوار می‌رفتم و اذان می‌گفتم و حالا که پیر شده‌ام، همیشه برای هر وعده نماز جماعت، خودم را به اینجا می‌رسانم. چراغ این مسجد به پشتوانه همین مردم بومی و قدیمی روشن است. مسجدی که همیشه بخشی از هویت خدرییک بوده، نباید صف‌های نماز خلوت شود؛ اینجاریا همه وجودم دوست دارم.»

مهر مسجد در دل اهالی

عزت قربانیان، هشتاد و یک ساله و پای ثابت برنامه‌های مسجد، می‌گوید: پنجاه سال است که به این محله آمده‌ام و از همان روز اول، خودم را عضوی از این مسجد می‌دانستم. قبلاً که روی پا بودم، در همه امور مسجد، چه جار کردن و شستن فرش‌ها و چه آشپزی و پذیرایی پای کار بودم. مهر اینجابه دلم نشسته و این لطفی است که خدای

دلم انداخته. این مسجد خیلی غریب است؛ مسجدی با این تاریخ و پیرایه، نباید تا این حد کمبود امکانات داشته باشد. خدیجه طرفه‌ای هم که بیشتر عمرش را در این محله گذرانده و از بانوان پای ثابت مسجد است، می‌گوید: از زمانی که یادم است، اینجا همین قدر ساده و کوچک بود؛ اما دم‌هایش خیلی با اخلاص هستند. مثلاً ماه رمضان که می‌شود، سفره افطاری داریم؛ ولی دیگر و پایه راد حیات خانه همسایه‌ها برپا می‌کنیم. من هم تانیمه شب می‌مانم و در شستن ظرف‌ها و تمیز کردن مسجد بادل و جان کمک می‌کنم. اینجاریا به خاطر نام امام حسین^(ع) خیلی دوست دارم؛ درست مثل اینکه خانه خودم باشد.

مسجدی از جنس جبهه‌ها

محمد تقی مؤدب، فرزند مرحوم حجت الاسلام شیخ حیدر مؤدب، از پیوند مسجد با سال‌های دفاع مقدس می‌گوید. پدر مرحومش ۲۳ سال در این مسجد، پیش نماز بوده و در همه این سال‌ها حتی یک ریال حق‌القدم دریافت نکرده است. او اکنون جای پای پدر گذاشته و مداح و روضه‌خوان مسجد است. او می‌گوید: مسجد مزین به قاب عکس چهارده شهید محدوده خدرییک است؛ جوان‌های بسیاری از همین جاعازم جبهه شدند. همچنین این مسجد پایگاه جمع‌آوری کمک‌های مردمی بود؛ هنوز به یاد دارم که شبستان مسجد تا نزدیک سقف، پر از هدایای مردمی می‌شد و آن‌ها را از همین جابرای جبهه بارگیری می‌کردند.



چشم انتظار حمایت

مسجد قدیمی است و حتی سرویس بهداشتی ندارد. در اصل، شبستان کوچک مسجد در طبقه همکف است و بالکن برای خانم‌ها؛ اما خانم‌های سالخورده نمی‌توانند از پله‌ها بالا بروند و همین باعث شده است نیمی از این شبستان کوچک بایر بماند. برای قسمت بانوان جدا شود. آشپزخانه کوچکی کنار این شبستان ساخته‌اند که به زحمت می‌توان در آن چای پذیرایی را فراهم کرد. یک روشویی کوچک هم برای وضو گرفتن کنار دیوار شبستان است. علی اصغر سالاریان، برادر شهید مهدی سالاریان است. پدرش، محمد آقا، در اثر سکت، قدرت تکلم را از دست داده است اما با همه ضعف بدنی، باز هم خودش را به نماز جماعت و مراسم مذهبی مسجد می‌رساند. علی اصغر می‌گوید: به خاطر دارم که از پنج سالگی همراه پدر اینجا می‌آمدم. به نظر من مسجد معنویت خاصی دارد؛ آن قدر ساده و بی‌ریاست که همه را مجذوب خودش می‌کند. به نظر هر کس اینجا کاری می‌کند، فقط برای رضای خداست و لا غیر.

حسین سالاریان کبیر هم از اعضای فعال اینجاست؛ او هرکاری از دستش برآید از لوله‌کشی تا سیم‌کشی برای رفع مشکلات مسجد انجام می‌دهد. حسین آقا و علی اصغر، جوانان پای کار این مسجد، هر دو دل‌پری از مسئولانی دارند که چندین بار قول داده‌اند، اما قدمی پیش نگذاشته‌اند. حسین آقا می‌گوید: این مسجد یک شبستان هشتاد متری دارد و حتی سرویس بهداشتی ندارد. باید مسئولان کمک کنند تا ملکی از همسایه‌های مسجد خریداری کنیم و حداقل سرویس بهداشتی بسازیم و فضای شبستان را کمی گسترش دهیم. حیف است این مکان که سال‌های سال چراغش روشن بوده و جوانان بسیاری را، مانند همین شهیدایی که قاب عکسشان بر دیوار مسجد نصب شده، تربیت کرده است، این چنین مهجور بماند.

علی اصغر هم می‌گوید: ما اهالی پای کار هستیم. از دل و جان هرکاری از دستمان بر بیاید برای این مکان مقدس انجام می‌دهیم؛ فقط کمک مسئولان می‌ماند.